

پیش بینی 70 ساله گلن نیلی

از بازار بورس آمریکا

ترجمه : مهندس آرش شفيعی

بازنگری : مهندس نادر برادری



با نام خدای مهربان

نئوویو چیست؟

نئوویو یکی از روش‌های پیشرفته **تحلیل تکنیکال** در بازارهای مالی می‌باشد که در تمامی بازارهایی که بر مبنای عرضه و تقاضا و روانشناسی توده مردم قیمت گذاری می‌گردد (از جمله بازار بورس، ارزهای دیجیتال، کامودیتی‌ها، فارکس و)، قابل استفاده است.

در اصل **نئوویو** یکی از سبک‌های روش امواج الیوت می‌باشد که توسط آقای **گلن نیلی** در سال 1990 در آمریکا ابداع شده است. این سبک قادر است سناریوهای مختلف بازار را با توجه به نمودار آن و روانشناسی معامله گران ارائه نماید و مانند یک نقشه راه مسیرهای احتمالی بازار را در سه بعد **قیمت و زمان، ساختار** پیش‌بینی نماید.



اعتبار روش نئوویو

یکی از مهمترین سوالاتی که همواره ذهن علاقمندان به تحلیل را در مواجهه با یک روش جدید به خود مشغول می‌کند اینست که تا چه میزان می‌توان به این روش اعتماد کرد؟ شاید بهترین پاسخ به این سوال ارجاع به تحلیل‌های گذشته این روش و اعتبار سنجی آن باشد. در این مقاله تحلیل بلند مدت 70 ساله بورس آمریکا از آقای گلن نیلی ارائه شده است که توسط **سایت آموزشی شیراز نئوویو** تهیه گردیده است، تا میزان تحقق این تحلیل بررسی گردد. شایان ذکر است این تحلیل در سال 1988 ارائه گردیده است و در پشت کتاب آقای نیلی تحت عنوان **استادی در امواج الیوت** در سال 1990 به چاپ رسیده است.

پیوست

پیش بینی بازار بورس آمریکا تا سال 2060

مؤلف

گلن نیلی

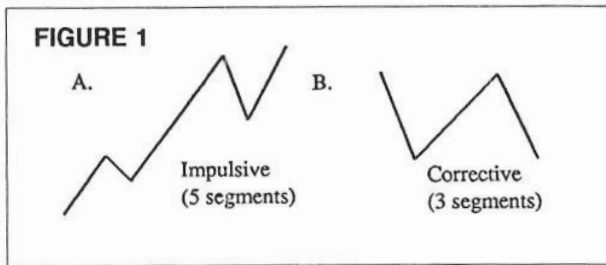
(این پیش بینی در اواخر تابستان سال 1988 انجام شده است)

متن زیر یک چاپ مجدد از مقاله ای که برای (مجله) «اساس مطالعات سایکل ها» و درباره ی «امواج الیوت» بین ماههای سپتامبر و اکتبر سال 1988 نوشته شده، میباشد. با تشکر از «ریچارد موجی» که مجوز بازتولید مقاله را به ما داد و همچنین «دایان اپرسون» که صفحات آماده ی جداول و شکل‌های مقاله ی اصلی را برای ما فراهم کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر از موسسه با شماره ی 7142617261 تماس بگیرید

چشم انداز آینده ی بازار بورس امریکا

دیدگاهی از منظر امواج الیوت

مؤلف: گلن نیلی



آینده برای محصولاتش از تعمیم خطی نمودار بازار سال قبلش استفاده کرده است. بپرسید، معمولاً پیش بینی های آنها اختلاف قابل توجهی با نتایج نهایی دارد.

تاریخ نشان داده است که رشد بشر پویا و لگاریتمی است و نه ایستا و خطی. چارت لگاریتمی تاریخی بازار بورس امریکا که به سال 1789 باز میگردد (شکل 2: اساس مطالعه ی سایکلهای) را ببینید. گاهی رشد هایی در بازار اتفاق می افتد و بعد از آن دوره ی تثبیتی فرا میرسد که برای مدت طولانی ادامه پیدا میکند. پس از آن دوباره گاهی برعکس این روند اتفاق می افتد. این موضوع رفتار پویای بازار را نشان میدهد. رشد نسبتاً پایدار برای بیش از 200 سال گذشته روی یک نمودار با مقیاس لگاریتمی، نشانگر ماهیت لگاریتمی رشد اقتصادی است.

تئوری موجی تحلیلگران را با یک ابزار پیش بینی که در مناسبترین حالت بر پایه ی لگاریتمی استوار است، تجهیز میکند. علاوه بر این، توسعه پویا را با استفاده از فرآیند فرکتالی ممکن میکند. فرآیند فرکتالی بخشهایی از علم نسبتاً جدید و نوپایی هستند که «بی نظمی» (Chaos) نامیده میشود. بی نظمی به ویژگیهای گوناگون آشفتگیها و هندسه ی پیچیده ی انتشار در طبیعت میپردازد. انطباق با فرآیند فرکتالی از انعطاف پذیری تئوری موجی در مدل ساختاری ناشی میشود. الگوهای الیوت مرتباً تکرار میشوند، هر بار با یک تغییر جزئی یا چرخش جدید. سپس این الگوهای تکراری میتوانند برای تشکیل الگوی بزرگتری با ظاهر یا طرحی مشابه، با الگوهای دیگر ترکیب شوند. برای مثال اگر شما شکل 1a را زیر یک میکروسکوپ بازبینی کنید، قسمت طولانی مرکزی به الگویی تجزیه میشود که ممکن است به دقت نمایشگر ظاهر کل نمودار باشد.

موضوع اول: تئوری چه امکاناتی را برای

تحلیلگر فراهم میکند؟

تئوری امواج الیوت یک چهارچوب فراهم میکند که در این چهارچوب حرکت قیمت بازار را در هر بازه ی زمانی به صورت شکلهای مشخص سازماندهی میکند. تئوری موجی رفتار بازار را به دو دسته ی زیر تقسیم بندی میکند:

1. حرکت در جهت موافق روند بزرگتر
2. حرکت در جهت خلاف روند بزرگتر

1. در بیان ساده حرکت قیمت در جهت روند (درجه ی بزرگتر بعدی) به صورت متفاوتی از حرکت قیمت در جهت خلاف روند تشکیل میشود. اکثریت حرکات قیمت در جهت روند از 5 مرحله یا قطعه ی کوچکتر تشکیل میشوند (شکل 1a را ببینید). به طور کلی به این نوع حرکت قیمتی شتابدار (جنبشی) میگویند. اگر یک الگو در بزرگترین مقیاس ممکن شتابدار باشد، تا زمانی که دست کم یک موج شتابدار دیگر (در جهت مشابه موج اول) کامل نشود، نمیتواند به طور کامل بازگشت شود.

2. حرکت قیمت در خلاف روند بزرگتر بعدی معمولاً از سه قطعه ی کوچکتر تشکیل میشود (شکل 1b را ببینید). این مدل حرکت اصلاحی (کارکشن) نامیده میشود. وقتی رفتار قیمتی اصلاحی باشد، رفتار قیمتی آینده معمولاً به طور کامل اصلاح را بازگشت میکند.

مفاهیم پویا

معمولاً برای همه ی کسانی که در این زمینه فعالیت میکنند، از روی رفتار بازار یا رفتار اقتصادی کنونی، به طور خطی پیش بینی کردن آینده بیهوده است. اگر از شرکتی که برای پیش بینی رشد آینده خودش و تقاضاهای

گلن نیلی انجمن امواج الیوت را در سال 1983 راه اندازی کرد و تنها دوره امواج الیوت بی وقفه را در دنیا تدریس میکند. ایشان نویسنده ی امواج الیوت در حرکت هستند.

از توسعه ی اجتماعی، هستند. لذا فرض اینکه زمان ذخیره کردن دیتا الزاما همزمان با ظهور یک صعود چند سده ای نباشد، منطقی است.

مشخص کردن یک کف تاریخی برای داده های

بلندمدت:

زمان شروع داده هایی که ما با آنها کار میکنیم سال 1789 است. بدیهی است که این کشور قبل از این تاریخ مسکونی و در حال رشد بوده است، بنابراین فعالیتهای اقتصادی انجام می شده است، اگرچه این فعالیتهای ثبت نشده اند. یک بررسی سریع شروع داده ها نشان میدهد که حرکت قیمت در چندین دهه ابتدایی در اطراف مقدار خاصی در نوسان بوده است. این رفتاری نیست که یک حرکت رونددار (حرکت شتابدار) با آن شروع شود. شروع یک روند (در تئوری موج) باید با حرکت شتابدار باشد- حرکتی که در طول مسیر بسیار کم توسط حرکت بعدی برگشت می شود. میتوانید ببینید که بازار قبل از رشد نمایی در اوایل دهه ی 1800 بارها بالا و پایین شده است. این موضوع نشان میدهد که تثبیت بیش از 20 ساله باید یک فاز اصلاحی بعد از یک الگوی شتابدار (رونددار) بوده باشد.

با بررسی دقیق با یک سری از تکنیکهای امواج الیوت، نتیجه گرفتیم که بهترین نقطه ی شروع الگو برای بررسی رشد بیش از 200 سال گذشته، عدد 0/30 دلار (30 سنت) بوده است. بازار حدود سالهای 1765 (±10 سال) تقریباً در این سطح بوده است. مشاهدات پس از آن کمک کرده به نتایج زیر برسم:

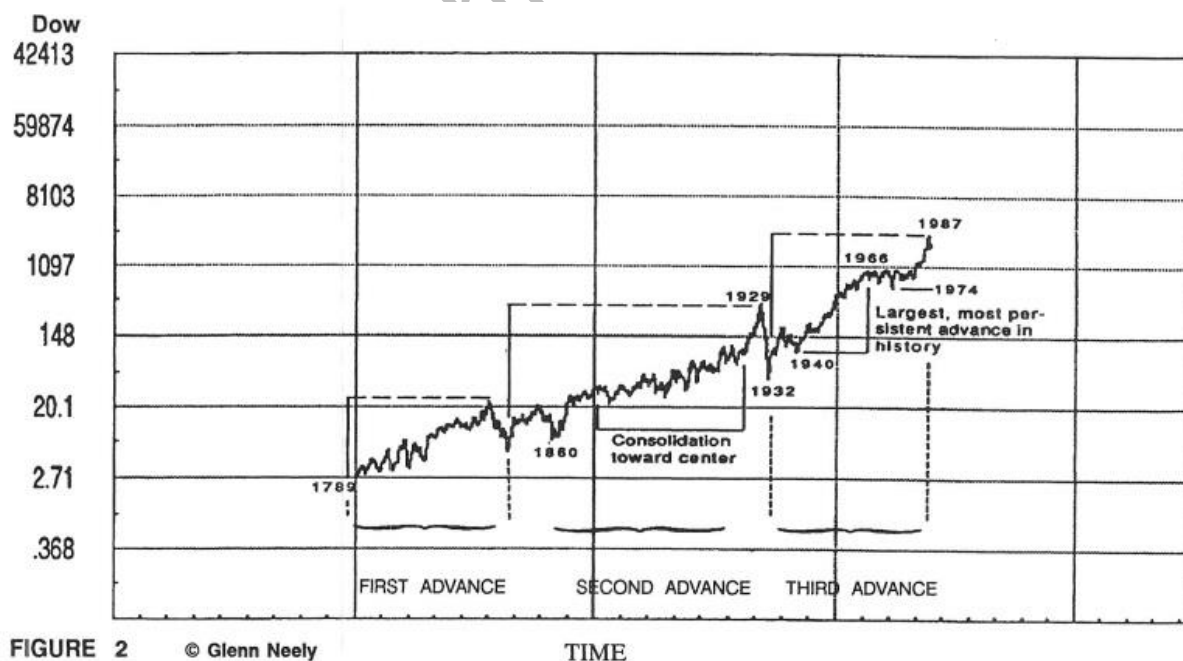
با معرفی بی نظمی، اکنون علم میتواند آنچه که پیش از این به عنوان رفتار تصادفی شناخته میشد را توضیح دهد. تشابه فراوان بین تئوری موجی و علم بی نظمی به کاربرد تئوری موجی برای آنچه حرکت تصادفی قیمت های بورس و کالا تصور میشد، اعتبار بیشتری میدهد.

محدودیت های حرکتی قیمت:

الگوی قیمتی امواج الیوت، تحلیلگر را به نتیجه گیری های خاص سوق میدهد. این نتیجه گیری ها بر پایه احساسات یا نظرات شخصی نیستند، بلکه بر اساس مطالعات مفصل و دقیق به تحلیلگر تحمیل می شوند. پیش بینی ها از بیشترین احتمالات حاصل شده از نمونه های تاریخی نتیجه گیری میشوند. وقتی بهره برداری از نتایج گذشته درست انجام شود، تئوری میتواند به تحلیلگر در پیش بینی های کوتاه مدت و بلندمدت که گاهی کاملاً دقیق هستند کمک کند.

تحلیل: مفهوم داده های بلندمدت

یک نگاه سریع به حرکت قیمتی بلندمدت (شکل 2) بی درنگ یک حقیقت مهم را به ما نشان میدهد: شروع رشد، که در مدت دست کم 200 سال در جریان بوده است، نمیتواند با شروع سری داده های بلندمدت موجود منطبق باشد. به یاد داشته باشید تئوری موجی یک قانون طبیعی تسلسل است. جدا از اینکه کسی باشد که داده ها را ثبت کند یا نباشد، آنها بازتابی



1- در بیش از 200 سال گذشته اقتصاد امریکا (بر اساس میانگین های بازار بورس) با یک شیب تند در حال رشد بوده است (تقریباً 100000٪ از کف رسمی ثبت شده در سال 1789). بر اساس این مدرک، فرض اینکه بازار بورس امریکا از آن تاریخ یا قبل از آن یک الگوی رونددار (شتابدار) بوده است فرضی قابل قبول است. با توجه به قوانین R.N Elliott، یک موج شتابدار باید شامل یک موج ممتد (یک رشد که بطور قابل ملاحظه ای بلندتر از رشدهای دیگر است) باشد. از سال 1789 یک موج ممتد تنها وجود نداشته است (شکل 2 را ببینید)؛ دومین و سومین صعود تقریباً یکسان هستند و صعود اول خیلی کوچکتر است. این بررسی موثری است. اگر ماهیت رشد از سال 1700 شتابدار فرض شود، باید در نهایت یک موج صعودی موجود باشد که اساساً بلندتر از دیگران است. تنها با تکیه بر این حقیقت باید نتیجه بگیریم که گسترش اقتصادی چند سده ای احتمالاً با مستعمره شدن آمریکای شمالی تمام نشده است.

2- قسمت بزرگ میانی (صعود دوم) از رشد 200 سال اخیر (1860-1929) ماهیت اصلاحی دارد. الگوهای شتابدار با فاز شتابدارشان شناخته میشوند. این شتاب نزدیک به وسط بلندترین موج رخ میدهد. کاملاً آشکار است که رشد از 1860 به سمت بالا در 1929 چنین فاز شتابداری را در مرکز نشان نمیدهد. در حقیقت اتفاقی برعکس این موضوع رخ میدهد؛ صعود دوم در نزدیکی مرکزش نوسانی میشود (شکل 2 را ببینید). این موضوع اصولاً در یک الگوی شتابدار غیر ممکن است.

3- از 1940 تا 1960، امریکا بزرگترین، پایدارترین و غیر قابل تکرار ترین رشد بازار بورس را در طول تاریخ ثبت شده تجربه

کرده است (شکل 2 را ببینید). شروع به افزایش میزان شتاب یک بازار (به طور نسبی) پس از یک مدت طولانی حرکت کند یک نشانه ی عالی از رخ دادن یک موج ممتد در آینده است. قویترین دلیل برای شروع رشد در سال 1949، افزایش تدریجی گشایش بازار در 40 سال آخر بود که بازار به ساختن سقفهای جدید ادامه داد. اصولاً حجم، نزدیک به وسط یک موج ممتد افزایش میابد، مخصوصاً اگر آن امتداد یک موج سوم باشد.

4- یک خط روند پایه میتواند به مشخص کردن الگوهای اصلاحی از همان درجه (یعنی الگوهایی که در داخل یک الگو الیوت یکسان قرار دارند) کمک کند. وقتی این تکنیک را بر روی اطلاعات موجود به کار میگیریم خط روند به سمت کف 1860 و 1932 میروود (شکل 4 را ببینید). شکی نیست که الگوی تخت (با موج C ناقص)، که از سال 1835 شروع شده است، باعث ایجاد کف در 1860 شده است. این الگوی تخت شامل سه شاخه است که در اکثر اصلاح های بازار موجودند. پیچیدگی این اصلاح تخت خیلی بیشتر از آن است که به طور مستقیم قابل ارتباط به ریزش عمودی که در سال 1929 شروع و در سال 1932 پایان یافته بود، باشد. اگر دو نقطه ای که با خط روند مشخص شده اند هرگونه ارتباطی داشته باشند (و از یک الگو باشند)، دوره ی اصلاح بعد از 1929 باید پیچیده تر و زمانبر تر بخش قبلی باشد. الیوت در دوران زندگیش حرکت قیمتی از 1929 تا حدود 1949 را به یک فاز انقباضی 21 ساله (یک مثلث، با استفاده از واژگان فنی الیوت؛ شکل 4 را ببینید) تفسیر کرد. هنگامی که یک مثلث 21 ساله در ساختار قیمتی موجود است، ارتباط زمانی بهتری بین دو فاز اصلاحی در طول خط روند اصلی داریم.

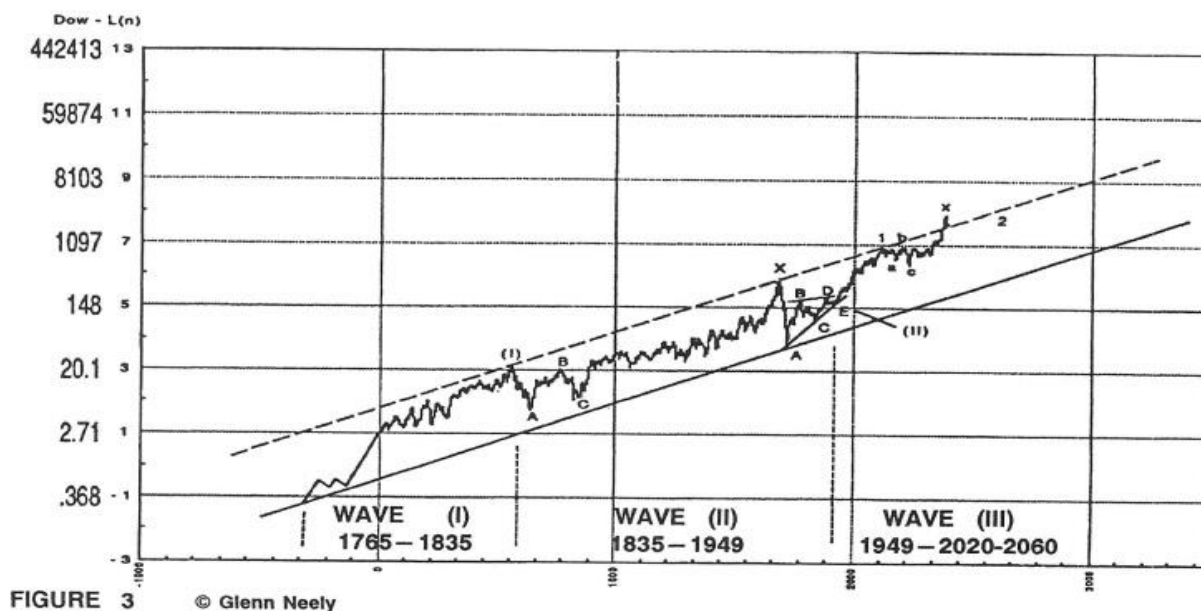


FIGURE 3 © Glenn Neely

(یعنی یک اصلاح 25 ساله از سال 1835 تا 1860، و یک مثلث 21 ساله از 1929 تا 1949)

سایکل می شد. از آنجایی که این رشد اصلاحی است، صعود از 1860 تا 1929 نیز باید جزئی از موج (II) درجه سوپرسایکل باشد (شکل 4 را ببینید).

شمارش موج بلندمدت:

تحلیل قبلی به من کمک کرد که مشخص کنم نقطه ی شروع تاریخی برای بازار بورس امریکا به احتمال زیاد 30 سنت در سال 1765 (± 10) سال) بوده است! با توجه به این موضوع امکان پذیر است که یک شمارش موجی بلندمدت در سری داده های تاریخی قرار دهیم. نتایجی که در شکل 3 (صفحه ی 219) نشان داده شده است عبارتند از:

- موج (I) 1765 تا 1835
- موج (II) 1835 تا 1949
- موج (III) 1949 تا 2060-2020

تحلیل زیر شمارش موج بالا را با جزئیات توضیح میدهد:

1. با تعیین سطح آغازین 0-30 سنت (در سال 1765)، رشد تا 1835 تبدیل به یک الگوی شتابدار کاملاً واضح با یک موج اولیه ی بلند (ممتد) شده است (شکل 4 را ببینید). پس سقف سال 1835 به عنوان موج (I) از درجه ی سوپر سایکل نامگذاری میشود.

2. قبلاً مشخص شده است که یک اصلاح تخت از سال 1835 تا 1860 وجود داشته، که قسمتی از موج (II) درجه سوپرسایکل میباشد؛ و اینکه رشد از 1860 تا 1929، بر اساس بیشترین احتمال، ماهیتی اصلاحی داشته است. اگر این افزایش قیمت شتابدار بود، سطح کف در 1860 پایان موج (II) از درجه ی سوپر

وقتی یک موج 2 شامل یک صعود اصلاحی به این حد است (1860-1929)، این صعود باید بنوعی یک اصلاح جاری باشد. معمول ترین شکل اصلاح جاری دوگانه سه تایی است. یک دوگانه سه تایی معمولاً با یک مثلث نامحدود پایان میابد (امواج الیوت در حرکت، صفحات 30-5، 10-8). این نکته یک توضیح عالی را برای مثلث 21 ساله بین سالهای 1929 و 1949 که الیوت توصیف کرده بود فراهم میکند. این مثلث به یک فاز اصلاح 115 ساله که موج (II) سوپر سایکل را به مرحله ی نهایی رسانده بود پایان می دهد. (شروع در 1835؛ شکل 4 را ببینید).

3. موج 3 در سال 1949 شروع شد و هنوز در جریان است. جاری بودن موج دوم بعنوان یک کارکشن قوی تضمین میکند که موج سوم بلندترین موج از این رشد چند سده ای باشد. وقتی که موج سوم بلندترین موج یک الگو باشد، معمولاً بیش از موج اول و موج پنجم بخشیده میشود. هنگامی که این بخشیده شدن اتفاق می افتد یک حرکت کوچکتر پنج موجی (با الگوی شتابدار) در طول موج سوم آشکار میشود. در درون این موج سوم بلندتر، موج اول و دوم معمولاً از حرکتهای قیمتی موج اول و دوم بزرگتر پیروی میکنند. (در این مورد، موج اول بزرگتر تقریباً از سال 1765 شروع میشود، و موج دوم در سال 1949 پایان میابد). با اعمال این راهکار، میتوانیم پیش بینی کنیم که رشد از سال 1949 تا مدتی بعد از آن حرکتی مانند حرکت قیمت از 1765 تا 1949 خواهد بود (شکل 4 را ببینید).

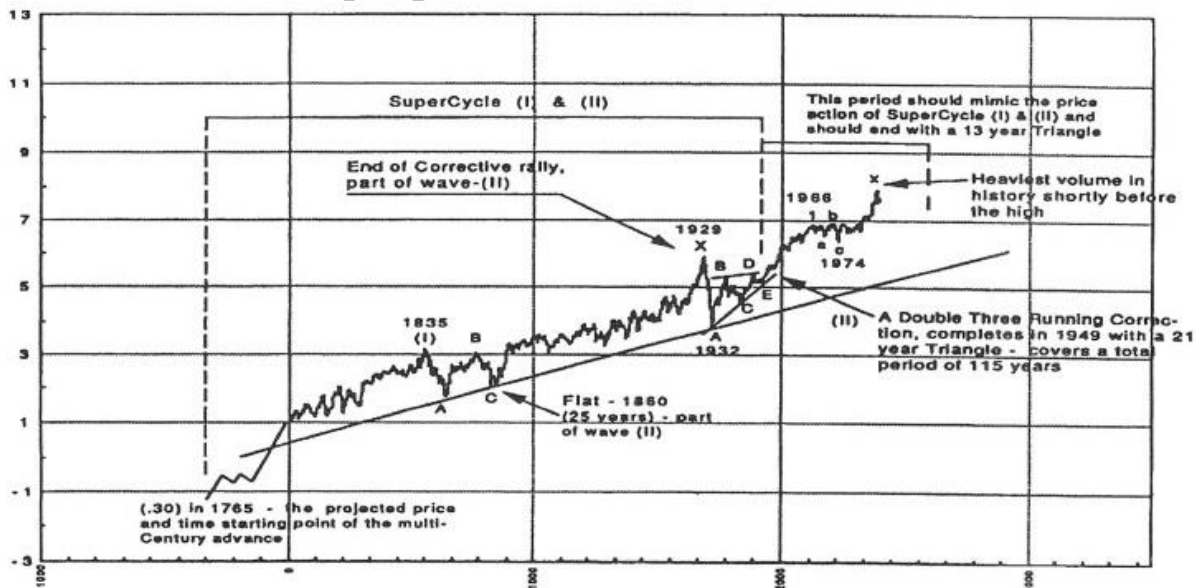


FIGURE 4 © Glenn Neely

موج از درجه ی سایکل بود، فرض اینکه الگو از سال 1974 تا 1987 یک ایکس موج از درجه ی اصلی (یک درجه پایینتر از سایکل) است تنها فرض منطقی است. همانند سال 1929، سقف سال 1987 تنها قسمتی از موج دوم بزرگتر است.

4. با اعمال دوباره ی نسبت 61/8، این بار بر روی مثلث 21 ساله، میتوانیم فرض کنیم که یک همگرایی 13 ساله از اکتبر 1987 آغاز شده است (618 x 21).

5. بیشترین مقدار اصلاحی، که در اکتبر 1987 آغاز شد، کوچکتر از محدوده بازگشتی سال 1932 و میزان درصد بازگشت (1929-1860) توسط ایکس موج سایکل قبلی خواهد بود. این مقدار بازگشت حدود 50٪ بود. با گرفتن 50٪ از صعود سال 1974 تا 1987، یک سطح حدود 1640 بر روی نمودار شاخص داو نشان می دهد. از آنجایی که نقطه ی کف در روز بعد از سقوط بازار در سال 1987 در عدد 1706 (خیلی نزدیک به 1640) بوده، دلیل خوبی داریم که نتیجه گیری کنیم که نقطه ی کف سقوط 1987 با کف 1932 همبستگی دارد. نمیتوان این موضوع را رد کرد که نقطه ی کف سقوط ممکن است از این کف نیز عبور کند. اگر عبور کرد، نباید بیشتر از 100 واحد شاخص داو شکسته شود.

6. با بررسی صعود موج (I) سوپر سایکل، محاسبه ی 61/8٪ و افزودن این عدد به انتهای موج (I) سوپر سایکل، دقیقاً به نقطه ی اوج در 1929 میرسید (شکل 5). این یک نقطه خاتمه خیلی رایج برای X موج در یک اصلاح جاری دوگانه سه تایی است. طول موج 1 سایکل (1949 تا 1966)، ضرب در عدد 0/618، و افزودن

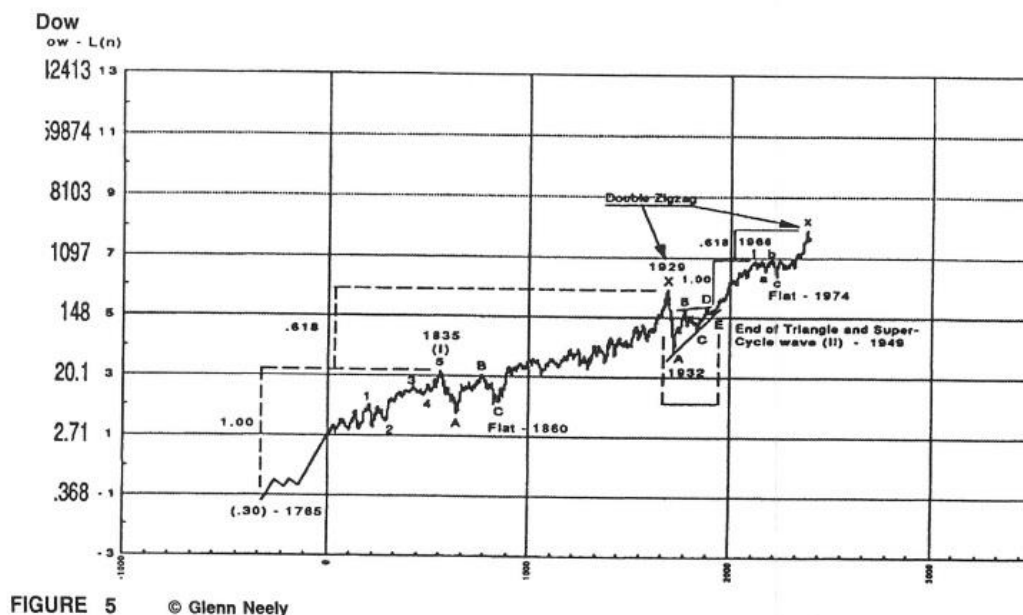
از سال 1949، یک موج شتابدار وجود دارد که در سال 1966 به اوج خود می رسد. این سقف موج اول از درجه ی سایکل است. حرکت سایکل از 1966 تا 1974 یک اصلاح تخت با سه فاز را تکمیل میکند. از کف قیمتی در سال 1974 بود که آخرین بازار صعودی در بورس شروع شد. یک بار دیگر، دقیقاً مشابه دوره ی 1860 تا 1929، بازار صعودی دهه ی 1980 نیز ماهیتاً اصلاحی بود (شکل 5 را ببینید). همچنین، همه ی تغییرات از سقف سال 1987 به صورت الگوهای اصلاحی ظاهر شده است.

از همسانی قابل توجه بین موج (I) و (II) سوپر سایکل و موج 1 و 2 درجه سایکل (موج 2 سایکل هنوز در حال شکل گیری است) نمیتوان چشم پوشی کرد. همچنین نکات زیر را میتوان از مدارک موجود نتیجه گرفت:

1. وقتی از کف سال 1932 (تقریباً 55/00)، موج 1 سایکل و موج (I) سوپر سایکل (پایان در 1835) با هم مقایسه میشوند میبینیم که با یک ضریب 61/8٪ در قیمت و زمان با یکدیگر ارتباط دارند. وقتی این نکته را در نظر بگیریم که پیش بینی تاریخی برای زمان و قیمت در رشد از بیش از 200 سال پیش تاکنون مستقل از این واقعیت بوده است، این نتیجه خیلی جالب است.

2. اصلاحاتی که موج اول بزرگتر و کوچکتر را دنبال میکنند هر دو اصلاح تخت هستند.

3. دو رشد اصلاحی بزرگ، یکی از سال 1860 تا 1929 و دیگری از سال 1974 تا 1987 (؟)، هر دو الگوی زیگزاگ دوگانه دارند (شکل 5 را ببینید). از آنجایی که رشد بزرگتر از سال 1960 یک ایکس



این مقدار به نقطه ی اوج سایکل 1 دقیقاً شما را به نقطه ی سقف 1987 میرساند.

این موضوع که در چند بررسی، فرمول بالا روی قسمتهای موجی درجه ی پایینتر، نتیجه های یکسانی دارد فراتر از یک اتفاق است. شکی نیست که تاکنون موج 1 و 2 سایکل در حال تقلید از موجهای (I) و (II) سوپر سایکل هستند.

نتیجه:

قدرت ذاتی یک "اصلاح دوگانه سه تایی جاری" 115 ساله (موج II) سوپر سایکل، (1949) اشاره ی مبهوت کننده ای برای آینده دارد. این موضوع به ما کمک میکند که به یک وضوح محتمل در اکثر بازارها و فعالیتهای اقتصادی برای 70 سال آینده برسیم:

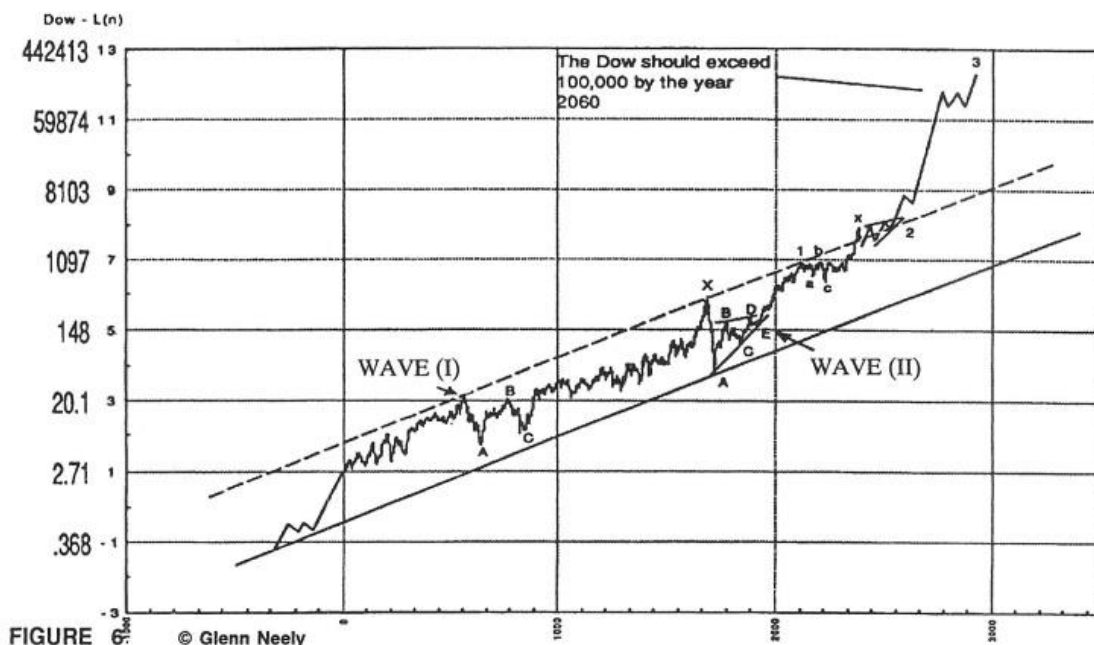
1. رکود اقتصادی که در اکتبر 1987 آغاز شد از نظر شدت مقدار کمتری نسبت به رکود سال 1932 خواهد داشت. چرا؟ به این دلیل که موج 2 سایکل که اکنون در جریان است یک درجه پایینتر از اصلاح در سال 1932 است. بطوریکه در طی در 13 سال آینده که بازار حرکت نوسانی میکند، شرایط اقتصادی باید با یک شیب ملایم بهتر شود همانگونه که از سال 1932 تا سال 1949 این اتفاق افتاد.

2. موج (III) سوپر سایکل یک موج ممتد از الگوی شتابدار خواهد بود (شکل 6 را ببینید). به عبارت دیگر، موج (III) سوپر سایکل بسیار

طولانی تر از موج (I) سوپر سایکل خواهد بود. یعنی بازار امریکا، دقیقاً بعد از تغییر جهت در این قرن، باید دوباره شروع به رشد کند. این رشد باید برای چند دهه ادامه پیدا کند، که نتیجه ی آن ایجاد بزرگترین بازار صعودی همه ی دورانها خواهد بود (شکل 6 را ببینید). کمترین انتظار برای یک موج گسترده 161/8٪ از موج شتابدار قبلی از همین درجه میباشد. با سنجش طول موج (I) سوپر سایکل، محاسبه ی نسبت بالا و افزودن نتیجه به موج (II) سوپر سایکل (1949) تارگت باورنکردنی دست کم (بهرتر است نشنیده بگیرید) بالای 100000 واحد شاخص Dow را ایجاد میکند. با اعمال تکنیکهای زمانی به ساختار امواج، این سطح قیمت هرگز نباید زودتر از 2020 و یا دیرتر از 2060 محقق گردد!

دلیل اساسی و توضیحات:

اکنون بذرهای لازم برای یک رونق بی سابقه ی جهانی در حال کاشته شدن هستند. در چند دهه ی آینده، اکثریت کشورهای جهان سوم صنعتی شده اند. این موضوع باعث بهبود چشمگیری در استاندارد زندگی مردم این کشورها خواهد شد. رقابت بین المللی، حس حسادت و یک روحیه ی "عقب نماندن از همسایه ها" را طلب میکند، که این روحیه کشورهای کمونیستی مانند روسیه را وادار به حرکت به سوی یک اقتصاد مولدتر و مبتنی بر سرمایه داری میکند. بعد از سال 2000، دنیا شروع به حرکت به سوی خوشبینانه ترین دوره ی تجربه شده خود خواهد کرد. این روانشناسی باید تا سال 2050 کاملاً در حال نوسان باشد.



نزدیک به وسط قرن بعد، یک کمبود مجازی جنگها، قحطی، رکود و... وجود خواهد داشت-یک دوره ی حمایت برای شکوفایی و صلح.

کسانی از شما که یک شاخص 100000 واحدی را غیر قابل درک میدانید، فرض کنید که بازار، از کف پیش بینی شده ی من در حدود 0/3 تا اوج در 1987 یعنی تقریبا 2700، از نظر مقداری نزدیک به یک میلیون درصد در زمانی کمی بیشتر از 200 سال افزایش یافته است. یک افزایش از 2700 تا 100000 فقط 4900٪ است. که تحلیل 70 ساله برای این افزایش در نظر گرفته است. بنابراین، یک حرکت تا 100000 در 70 سال در مقایسه با رکورد تاریخی کاملا باورکردنیست.

درک میکنم که نتایجی که خلاصه ی این متن بود یک جامعه ی خیالی و غیر عملی را توصیف کرد؛ اما به یاد داشته باشید، همه ی نتایج بر اساس آنچه که تئوری موجی واقعا "تضمین" میکند، باورنکردنی ترین دوره ی اقتصادی در تمام زمانها را نشان می دهد. این (نتایج) بطور منطقی از (تحلیل) به دست آمده است.



آخرین افتخار مجموعه

شیراز نئوویو

از طرف شرکت جهاد نصر فارس



ما در مجموعه آموزشی **شیراز نئوویو** از سال 1398 بطور کاملا تخصصی بر روی آموزش سبک نئوویو و امواج الیوت متمرکز هستیم و در این مدت با برگزاری دوره‌های آموزشی بی‌شمار، ترجمه مقالات تخصصی و ارائه نرم افزارهای مربوطه سعی در بسط و گسترش این روش در ایران و ساده سازی یادگیری آن داریم.

جهت اطلاع از دوره‌های آموزشی می‌توانید از طرق زیر با ما در ارتباط باشید

تلفن

09207239873

آدرس ایمیل

cs@shirazneowave.ir

Appendix

Stock Market Forecast to the Year 2060

by

Glenn Neely

(this forecast was compiled during the late summer of 1988)

This following is a reprint of an article written for the "Foundation for the Study of Cycles" in their September/October 1988 "Elliott Wave" issue. Thank you to Richard Mogeys for giving us permission to reproduce the article and Diane Epperson for preparing the camera-ready art work of the original.

For more information on the Foundation, call 714-261-7261.

The Future Course of the U.S. Stock Market

An Elliott Wave Viewpoint

by Glenn Neely

THE GROUND WORK: What Does the Theory Furnish the Technician?

The Elliott Wave Theory furnishes a framework within which to organize a market's price action into specific formations over any time period. All market action under the Wave Theory breaks down into two major categories:

1. Action **with** the larger trend.
2. Action **against** the larger trend.

1. Simplistically, price action moving with the trend (of the next larger magnitude) will be constructed differently from that going against the trend. The majority of price movement in the direction of the trend will be constructed of **five** smaller phases or segments (see Figure 1a). Broadly speaking, this type of price action is defined as *Impulsive* (in nature). If a pattern on the largest scale possible is Impulsive, it cannot be completely retraced until at least one more comparable Impulse wave (in the same direction as the first) is completed.

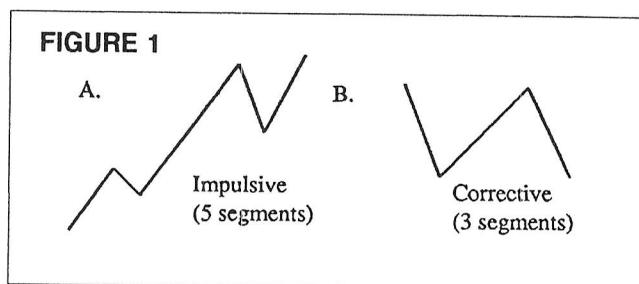
2. Price action that moves in the opposite direction of the next larger trend is usually constructed of **three** smaller segments (see Figure 1b). This type of action is classified as *Corrective* (in nature). When price action is correctively constructed, future price action will usually retrace the Correction completely.

DYNAMIC CONCEPTS

For anyone who has tried, it is usually futile to linearly extrapolate current market or economic action into the future. Ask any corporation how well they predicted their

Glenn Neely established the Elliott Wave Institute in 1983, and teaches the only real-time Elliott Wave course in the world. He is author of ELLIOTT WAVES IN MOTION.

FIGURE 1



own growth and future demand for their products based on previous years' data. Usually their forecasts are significantly different from the final results.

History demonstrates that man's progress is **dynamic and logarithmic**, not static or linear. Look at the historical, logarithmic chart on the U.S. stock market dating back to 1789 (see Figure 2, courtesy Foundation for the Study of Cycles). Sometimes advances occur in spurts, followed by consolidation phases that last for long periods of time. Then again, occasionally the reverse happens. This reveals the market's dynamic behavior. The relatively consistent advance on a log scale for the last 200-plus years demonstrates the logarithmic nature of economic progress.

The Wave Theory supplies the analyst with a forecasting tool that is best implemented on a logarithmic basis. Furthermore, it allows for dynamic development contained within a fractal process. Fractals are part of a relatively new and burgeoning area of science called "Chaos." Chaos deals with the multifarious character of turbulence and the complex geometry of propagation in nature. The association with fractals comes from the Wave Theory's flexibility within a structured format. Repetition of Elliott patterns occurs over and over, each time with a slight variation or new twist. These repetitive patterns can then be combined to create larger patterns of appearance or design similar to the smaller structures. For example, if you examined Figure 1a under a microscope, the long center

segment would break down into a pattern which might closely represent the appearance of the entire diagram.

With the introduction of Chaos, science is now able to explain what has, heretofore, been considered random behavior. The numerous similarities between the Wave Theory and Chaos science further validates the applicability of the Wave Theory to the once-thought "random" action of stock and commodity prices.

PRICE ACTION LIMITATIONS

Elliott Wave price patterns force the analyst into specific conclusions. The conclusions are not based on emotion or opinion, but are forced upon the analyst through objective and detailed study. Predictions are derived from the highest probability outcome founded on historical precedent. When applied correctly, the Theory can help the analyst produce short- and long-term forecasts which are, occasionally, pinpoint accurate.

THE ANALYSIS: Implications of the Long-Term Data

A quick overview of the long-term price activity (Figure 2) immediately brings to bear one important fact. The start of the advance, which has been in progress for at least 200 years, cannot be coincident with the beginning of the cur-

rently available long-term data series. Remember, the Wave Theory is a natural law of progression. Its reflections of societal development are present whether someone is around to register them or not. It is only logical to assume that the recording of data would not necessarily coincide with the advent of a multi-century advance.

DETERMINING AN HISTORICAL LOW FOR THE LONG-TERM DATA SERIES

The data we are working with starts in 1789. Obviously, this country was inhabited and growing before that time, so there was economic activity taking place, albeit unrecorded. A quick glance at the start of the data series reveals that the price action was initially drifting sideways for several decades. This is not the way a trend (Impulsive action) begins. The commencement of a trend (under the Wave Theory) must begin with Impulsive action—action that is only minimally retraced by later activity. You can see that the market drifted back and forth many times before finally advancing in the early 1800s. This implies the 20-plus-year consolidation must have been a Corrective phase following an Impulse (trending) pattern.

Methodically administering a host of subtle Elliott Wave techniques, I deduced that the best point of inception for the last 200-plus year advance was 0.30 (i.e., 30 cents). The market was most likely at that level around the year 1765 \pm 10 years. The following observations helped me to arrive at the above conclusions:

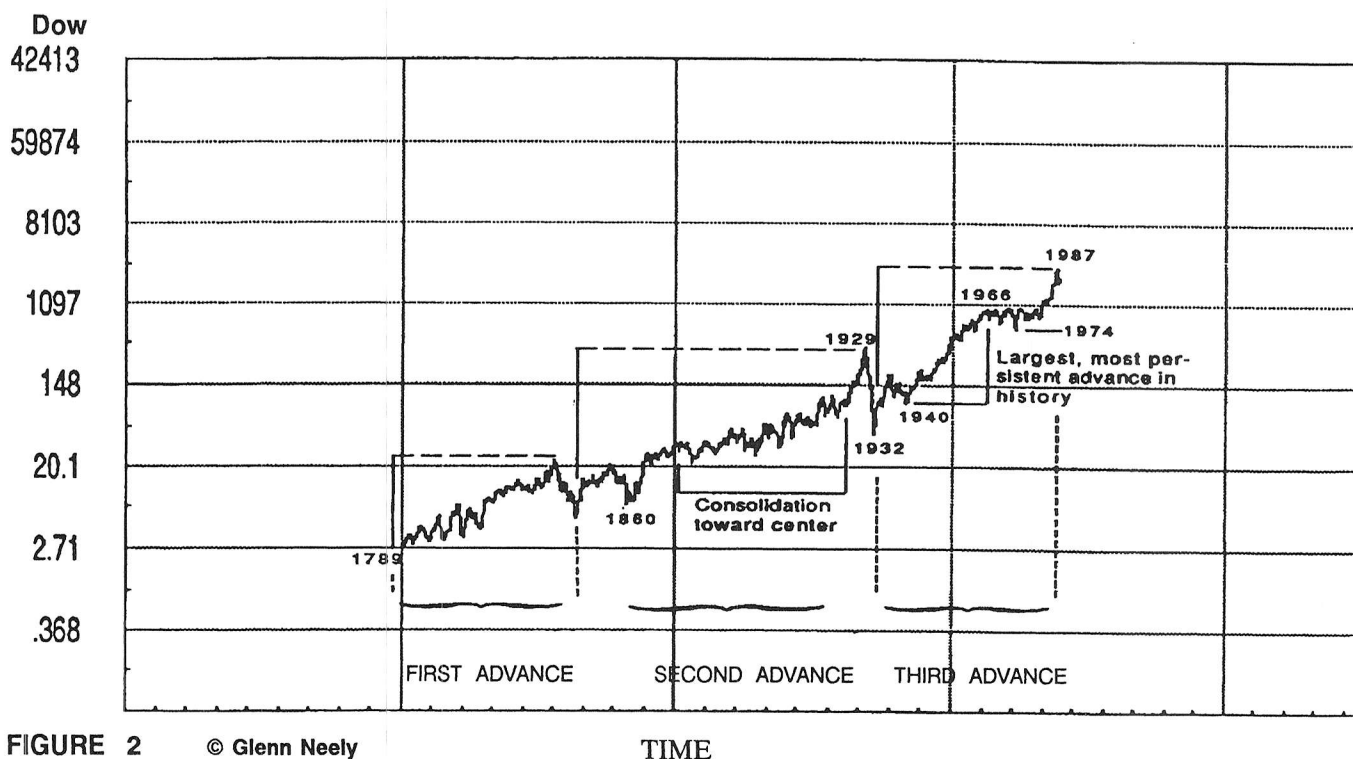


FIGURE 2 © Glenn Neely

TIME

1. For the last 200-plus years, the U.S. economy (based on stock market averages) has been advancing at a great clip (approx. 100,000% since the official projected low around 2.51 in 1789). Based on this evidence, it is safe to assume that the U.S. stock market has been in a trending pattern (Impulsion) since that time *or before*. According to R.N. Elliott, an Impulse wave should contain an Extension (one advance that is *significantly* longer than the other advances). **Since 1789, there has not been an Extended wave** (see Figure 2); the second and third advance are about equal, and the first advance is much smaller. This is a pivotal observation. If the nature of the advance since the 1700s is to be considered Impulsive, there must *eventually* be one advancing wave that is substantially longer than the others. Resting solely on that fact, it is imperative to assume the multi-century economic expansion, probably beginning with the colonization of North America, has not ended.

2. **The large middle section (second advance) of the last 200-year advance (1860 to 1929) is Corrective in nature.** Impulse patterns are known for their acceleration phases. These usually occur toward the center of the longest wave. It is immediately evident that the advance from 1860 to the high in 1929 does not exhibit any such acceleration phase toward its center. Actually, the reverse is true; the second advance consolidates toward its center (see Figure 2). This is basically impossible in an Impulse pattern.

3. From 1940 to 1960, the U.S. experienced the largest, most persistent, least retraced stock market advance in

recorded history (see Figure 2). If a market starts to increase its rate of acceleration after prolonged periods of slower action (relatively speaking), it is an excellent indication that an Extended wave is getting underway. The strongest argument for an extension beginning in 1949 is the gradually increasing market volume over the last forty years as the market continues to make new highs. Volume, as a rule, increases toward the center of an Extended wave, especially if that extension is a third wave.

4. A base trend line can aid in the identification of Corrective patterns of the same degree (i.e., patterns within the same Elliott formation). When employing this technique on the available data (see Figure 4), the trend line runs across the low in 1860 and 1932. **There is no doubt that a Flat pattern (with a C-wave failure), starting in 1835, concluded at the low in 1860.** That Flat pattern contained the typical three segments common to most corrections. The complexity of the Flat correction is far too great to be directly relatable to the virtually vertical decline which started in 1929 and finished in 1932. If the two points identified by the trend line are to have any relation, the Corrective period after 1929 must have been more complex and time consuming than is immediately apparent. **During Elliott's lifetime, he interpreted the price action from 1929 to about 1949 as a 21-year contraction phase (a Triangle, using Elliott's terminology; see Figure 4).** Once a 21-year Triangle is included in the price structure, there is better time corroboration between the two corrective phases

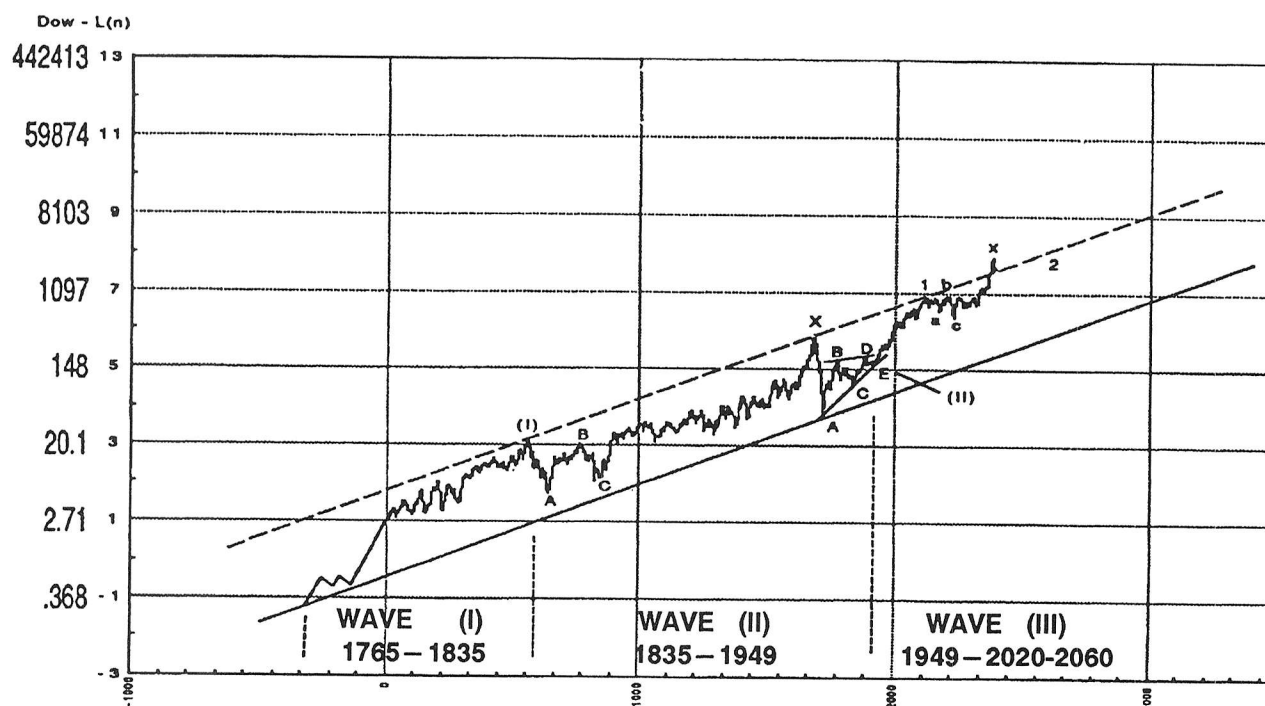


FIGURE 3 © Glenn Neely

along the base trendline (i.e., a 25-year Flat Correction from 1835 to 1860, and a 21-year Triangle).

THE LONG-TERM WAVE COUNT

The previous analysis enabled me to determine that the historical starting point for the U.S. stock market was most likely 30 cents in 1765 (± 10 years)! From this it was possible to place a long-term wave count on the historical data series. The results displayed in Figure 3 (p. 219) are:

Wave (I)	1765 to 1835
Wave (II)	1835 to 1949
Wave (III)	1949 to 2020-2060

The following analysis details the placement of the above wave count:

1. With a starting level of 0.30 (around 1765) established, the advance to 1835 now becomes a very clear Impulse pattern with a long (extended) first wave (see Figure 4). The 1835 high would be labeled wave (I) of SuperCycle degree.

2. It has already been decided that there was a Flat correction from 1835 to 1860, which was part of SuperCycle wave (II); and that the advance from 1860 to 1929, based on the highest probabilities, was corrective in nature. If that rally had been Impulsive, the low in 1860 would have been the

end of wave (II) of SuperCycle degree. Since the advance is Corrective, the rally from 1860 to 1929 must also be part of SuperCycle wave (II) (see Figure 4).

When a second wave contains a Corrective advance of that magnitude (1860-1929), the second advance must be some variation of Running Correction. The most common form of Running Correction is the Double Three. A Double Three typically concludes with a Non-Limiting Triangle (*Elliott Waves in Motion*, pp. 5-30, 10-8). This provides a perfect explanation for the 21-year Triangle between 1929 and 1949 that Elliott described. That Triangle terminated a 115-year corrective phase which finalized SuperCycle wave (II) (beginning in 1835; see Figure 4).

3. Wave-3 started in 1949 and is still unfolding. The powerful implications of a second-wave Running Correction guarantee that the third wave will be the longest wave of this multi-century advance. When the third wave is the longest wave of a pattern, it will generally subdivide more than wave-1 or wave-5. As this subdivision occurs, a smaller five-wave move (Impulse pattern) will become evident within the third wave. Inside this larger third wave, wave-1 and 2 will usually mimic the price action of the larger first and second wave. (In this case, the larger first wave begins approximately 1765, and the second wave ends in 1949.) Applying this concept, we can anticipate that the advance from 1949 to some future date will look similar to the price action from 1765 to 1949 (see Figure 4).

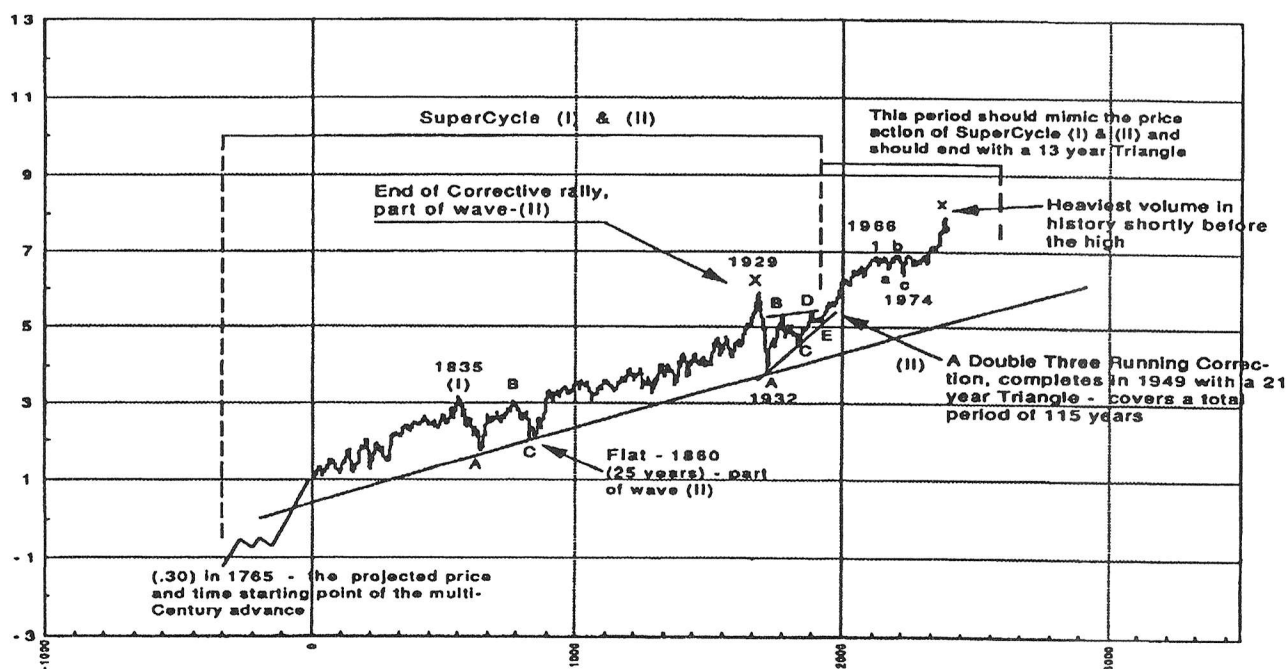


FIGURE 4 © Glenn Neely

The remarkable parallelism between Supercycle wave (I) and (II) and the latest Cycle wave-1 and wave-2 (Cycle 2 is still unfolding) cannot be discarded. These additional conclusions can be derived from the growing evidence:

- from 1860 was a Cycle degree X-wave, it is only logical to assume that the pattern from 1974 to 1987 would be an X-wave of Primary degree (one degree lower than Cycle). As in 1929, the 1987 high is only part of a larger second wave.

4. Implementing the 61.8% ratio again, this time to the 21-year Triangle, we can assume that a 13-year contraction started October 1987 ($21 \times .618$).

5. The maximum extent of the correction, which began in October 1987, is limited to the 1932 percentage retracement of the previous Cycle X-wave (1860-1929). That retracement value was about 50%. Taking 50% of the advance from 1974 to 1987, a level of approximately 1640 is indicated on the Dow. Since the low the day after the 1987 crash was 1706 (very close to 1640), **there is good reason to believe that the 1987 crash low is the corollary to the 1932 bottom.** It cannot be ruled out that the crash low may be exceeded. If so, it should not be broken by more than about 100 Dow points.

- 6. Measuring the advance for SuperCycle wave (I), calculating 61.8%, and adding that amount to the end of SuperCycle wave (I), you arrive at precisely the 1929 top (see Figure 5). This is a very typical stopping point for an X-wave in a Double-Three Running Correction. Checking the length of Cycle wave-1 (1949 to 1966), multiplying by**

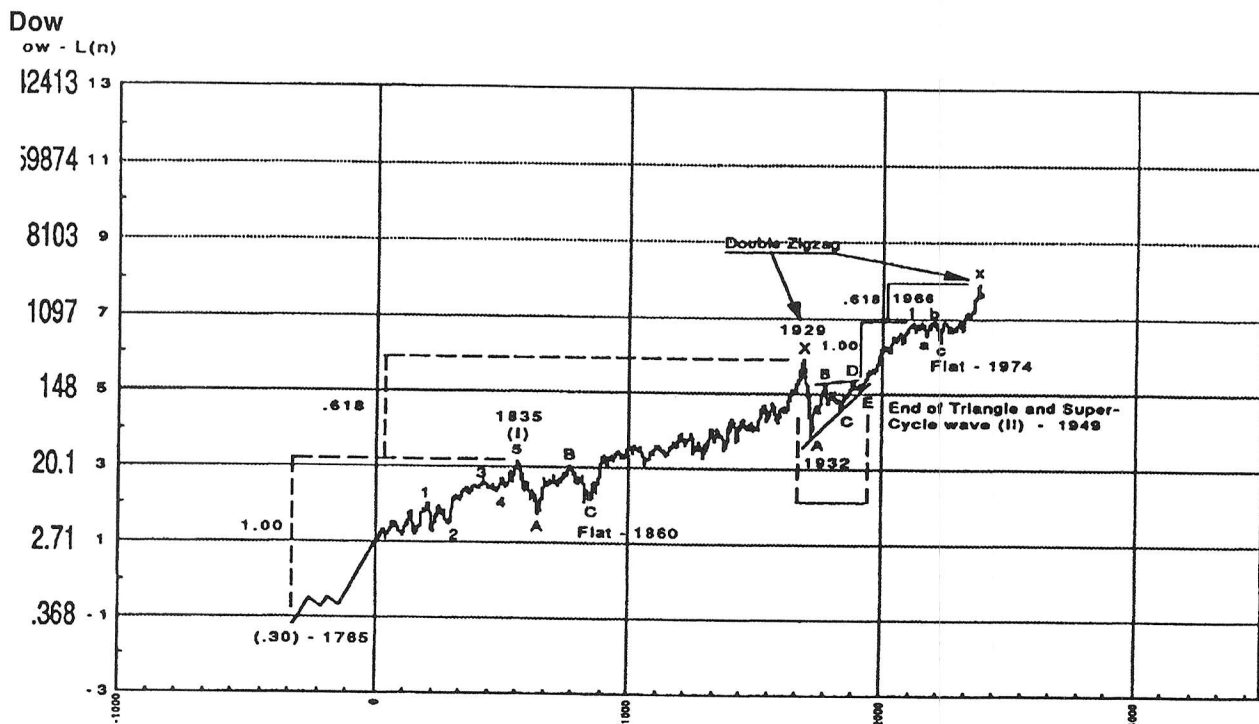


FIGURE 5 © Glenn Neely

the fraction .618, and adding that amount to the top of Cycle 1 puts you exactly at the 1987 high.

The fact that multiple measurements, when applied to wave segments of one lower degree, produce the same results is beyond coincidence. There is no doubt that Cycle wave-1 and wave-2 are, so far, mimicking the action of SuperCycle waves (I) and (II).

CONCLUSIONS

The inherent power of a 115-year "Running Double-Three Correction" (SuperCycle wave (II), 1949) has astounding implications for the future. This allows us to arrive at a resolution on the most probable market and economic activity for the next 70 years:

1. The economic contraction which started in October 1987 will be of ONE LOWER magnitude in severity than the Depression of 1932. Why? The Cycle 2-wave currently in progress is of one lower degree than the correction in 1932. As the market moves sideward for the next 13 years, economic conditions should gradually improve as they did from 1932 to 1949.
2. SuperCycle wave (III) is going to be the Extended wave of the Impulse pattern (see Figure 6). In other words, SuperCycle wave (III) will be much longer than Super-

Cycle wave (I). This means the U.S. market, right after the turn of this century, should begin to advance again. This advance should last for decades, creating the biggest bull market of all time (see Figure 6). The minimum expectation for an Extended wave is 161.8% of the previous Impulse wave of the same degree. Measuring the length of SuperCycle wave (I), calculating the above ratio, and adding the product to the end of SuperCycle wave (II) (1949) produces the incredible, minimum target of (you'd better sit down) over 100,000 basis the Dow. By applying time techniques to the Wave structure, that price level should not be achieved any earlier than the year 2020, and no later than 2060!

FUNDAMENTAL JUSTIFICATION AND COMMENTS

The seeds are currently being sown for an international boom of unprecedented proportions. Over the next few decades, the majority of third world countries should have become industrialized. This will bring dramatic improvements in the standard of living for all citizens of such countries. International competition should invoke jealousy and a "keep up with the Joneses" mentality, forcing such communist countries as Russia to move toward a more productive, capitalistic economy.

After the year 2000, the world should begin moving into the most optimistic period ever experienced. This psychology

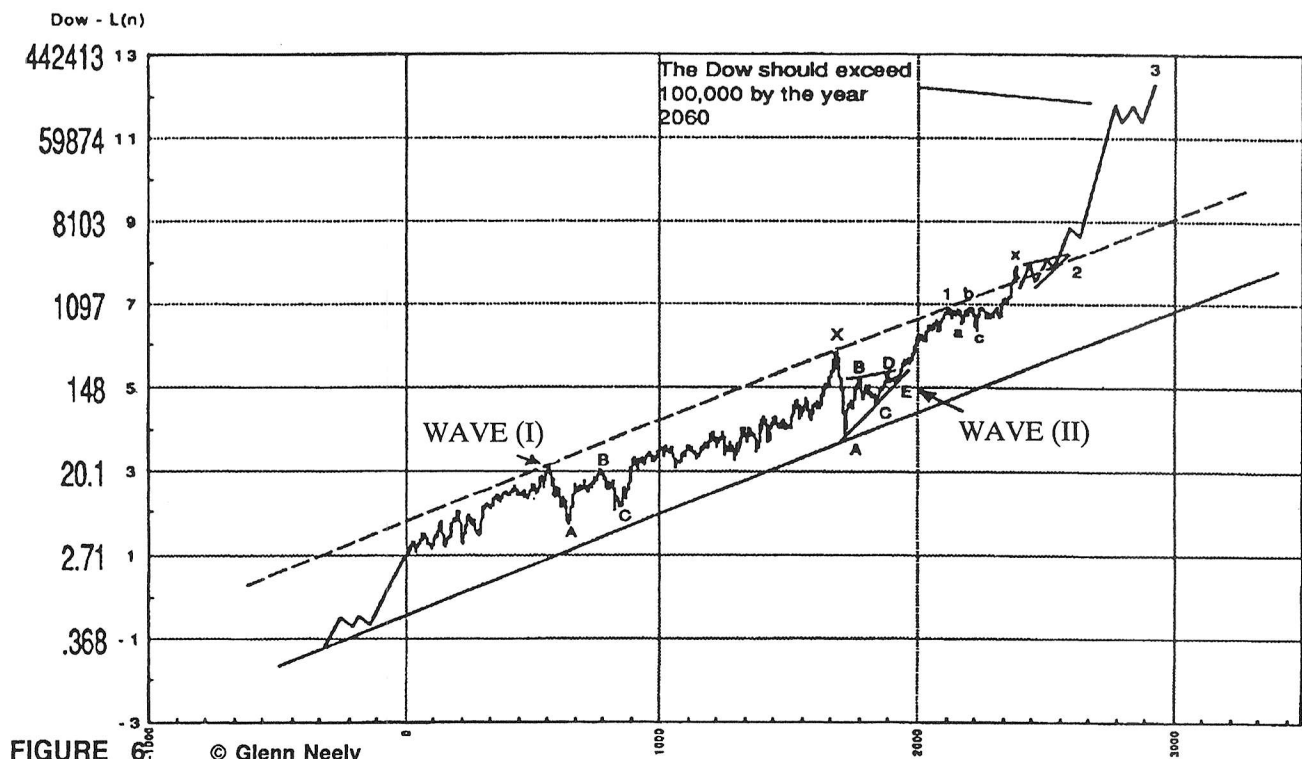


FIGURE 6 © Glenn Neely

should be in full swing by the year 2050. Toward the middle of the next century, there should be a virtual lack of wars, famines, depression, etc.—a sustained period of prosperity and peace.

For those of you who find a 100,000 Dow incomprehensible, consider that the market, from my predicted low of 0.30 up to the 1987 high of approximately 2700, has increased in value almost one million percent in a little over 200 years. A move from 2700 to 100,000 is *only* 4900%. The analysis allows 70 years for this to take place. Thus, a move to 100,000 in 70 years is highly plausible in comparison to the historical record.

I realize the conclusions outlined in this article characterize a near utopian society; but remember, all conclu-

sions are based on what the Wave Theory virtually “guarantees” will be the most incredible economic period of all time. The latter (conclusions) is logically derived from the former (analysis).